

بررسی تأثیر دینداری و گرایش سیاسی بر احساس عدالت توزیعی شهروندان در برنامه‌های توسعه رفاهی دولت

میثم هاشمی‌نیا^۱، رحمت‌الله امیر احمدی^{۲*}، حسین ابوالحسن تنهایی^۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۱۲/۱۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۰/۱۶

چکیده

در این پژوهش، تأثیرگذاری گرایش سیاسی و میزان دینداری شهروندان بر احساس عدالت توزیعی در برنامه‌های رفاهی دولت مد نظر است. این پنجره و منظر، از آن جهت اهمیت دارد که حاکمیت سیاسی کشور در پیوندی جدایی ناپذیر با دین، تلاش می‌کند نگرش متفاوتی به مقوله رفاه و عدالت اجتماعی بر اساس مفاهیم دینی داشته باشد. چارچوب نظری این پژوهش بر مبنای نظریه‌های نقد دولت رفاه و نظریه بورديو تدوین شده است. این تحقیق به صورت پیمایشی و با ابزار پرسش‌نامه در بین شهروندان خرم‌آبادی در پایان سال ۱۳۹۹ و آغاز ۱۴۰۰ انجام یافته است. نمونه‌گیری پژوهش با تلفیقی از نمونه‌گیری خوشه‌ای و طبقه‌بندی نامتناسب طراحی شد و حجم نمونه ۴۰۰ نفر بود. نتایج نشان می‌دهد شهروندان دیدگاه یکسانی به برنامه‌های رفاهی دولت‌ها ندارند. آنها در میان سه دولت پیشین، برنامه‌های رفاهی دولت خاتمی را بهتر و دولت روحانی را ضعیف‌تر ارزیابی کرده‌اند. در امید به برنامه‌های رفاهی دولت آینده نیز اکثریت جمعیت معتقد به ثبات یا حتی بدتر شدن وضعیت هستند. نتایج پژوهش حاکی از تأثیرگیری ارزیابی برنامه‌های رفاهی دولت از میزان تعهد شهروندان به شعایر دینی و نوع گرایش سیاسی آنهاست؛ در این معنا افراد با گرایش اصول‌گرا و اعتقادات دینی بیشتر، ارزیابی بهتری از عدالت توزیعی دارند. نتایج پژوهش موید این است که ارجحیت گرایش‌ها و نگرش‌ها موجب وابستگی / طرد ذهنی شهروندان نسبت به نهادهای دولتی شده و ارزیابی نیازهای اجتماعی و توزیع عدالت توزیعی برنامه‌های رفاهی دولت را سوگیرانه و به نفع یا علیه آنها تغییر می‌دهد.

واژگان کلیدی: عدالت توزیعی، رفاه اجتماعی، دولت رفاه، توسعه، نیاز، سیاستگذاری اجتماعی.

^۱ دانشجوی دکتری تخصصی جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشکده علوم انسانی، واحد آزاد شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزاد شهر، ایران.
(E mail: meisamhasheminiyah@gmail.com)

^۲ استادیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد آزاد شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزاد شهر، ایران (نویسنده مسئول).
(E mail: Amirahmadi569@yahoo.com)

^۳ دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
(E mail: hatanhai121@gmail.com)

بیان مساله

در ایران پسانقلابی برنامه‌هایی در جهت ایجاد رفاه اجتماعی همچون تعدیل ساختاری (۱۳۵۹)، تجدید برنامه‌های فقرزدایی و برنامه‌های توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی (برنامه اول توسعه ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲؛ برنامه دوم توسعه ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸؛ برنامه سوم توسعه ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳؛ برنامه چهارم توسعه ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸؛ برنامه پنجم توسعه ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴؛ برنامه ششم توسعه ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰)، طرح هدفمند کردن یارانه‌ها (۱۳۸۹)، پرداخت یارانه بنزین (۱۳۹۸) و یارانه کمک معیشتی کرونا (۱۳۹۹) توسط برخی دولت‌ها اعمال شده است. نگرش اقشار مختلف مردم به این برنامه‌های اجرا شده تحت تاثیر متغیرهای مختلفی قرار دارد. در این پژوهش، عدالت رفاهی از منظر شهروندان و تاثیر گذاری گرایش سیاسی و میزان دینداری آنها بر عدالت رفاهی مد نظر است. این پنجره و منظر، از آن جهت اهمیت دارد که حاکمیت سیاسی کشور با دین پیوند جدایی ناپذیر دارد؛ این حاکمیت دینی-سیاسی، تلاش می‌کند نگرش متفاوتی به مقوله رفاه و عدالت اجتماعی بر اساس مفاهیم دینی داشته باشد.

عدالت اجتماعی دارای سه بعد اصلی عدالت توزیعی، عدالت رویه ای و عدالت تعاملی است. تمرکز اصلی عدالت توزیعی بر روی نتایج دریافت شده افراد یا گروه‌ها نسبت به همدیگر و هدف اصلی آن، توزیع منابع بین آنها می‌باشد (چلادورای^۱، ۲۰۰۶). منطقی عدالت توزیعی بر سه اصل اساسی استوار است: «اصل انصاف» که بیان می‌کند منابع و پاداش‌ها باید بر اساس مشارکت‌های افراد و یا واحدها توزیع شوند. «اصل مساوات» که بیانگر توزیع مساوی منابع و پاداش بین افراد و واحدها است. «اصل نیاز» نیز می‌گوید منابع و پاداش‌ها باید بر اساس نیازهای افراد یا واحدهای مختلف توزیع گردند (تورنبلوم و جانسون^۲، ۱۹۸۵).

کلمه رفاه در ترجمه اصطلاح لاتین به معنای خوب بودن و خوب شدن است (میجلی^۳، ۱۳۷۸: ۴-۵). ویلکینسن^۴ (۱۹۹۱) رفاه را در مفهوم وسیع آن، نظامی معرفی کرده است که نیازهای اجتماعی، فرهنگی و فیزیکی افراد، خانواده‌ها، نهادها اجتماعات آنها را در بر می‌گیرد (برم^۵، ۲۰۰۳: ۲۶). ریدر^۶ (۱۹۹۰) برای تحلیل رفاه اجتماعی در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، مالی و دولتی، شاخص‌هایی از قبیل اشتغال، درآمد، ساختار اقتصادی، فقر، جرم، آموزش، تراکم جمعیت، ظرفیت و نیاز مالی را در نظر گرفته است (اسمیت و رامسی^۷، ۲۰۰۲). این تعاریف نشان می‌دهند که رفاه اجتماعی خصلتی پویا و تحول یابنده دارد و متناسب با تغییرات ایجاد شده در جوامع و رشد انتظارات و نیازها دگرگون می‌شود (هزارجریبی و صفری شالی^۸، ۱۳۹۰: ۲). بر این اساس، رفاه اجتماعی شهروندان صرفاً به موضوع اقتصادی مرتبط نمی‌شود و مفاهیمی نظیر احساس محرومیت نسبی، رضایتمندی بهداشتی، رضایتمندی اجتماعی و موارد دیگر را نیز در بر می‌گیرد که ذیل بعد غیرمادی رفاه اجتماعی قرار می‌گیرند (بانت^۹، ۲۰۰۴: ۴۵؛ گیدنز^۹، ۲۰۰۶: ۳۶۵-۳۶۷). به عبارت دیگر رفاه اجتماعی ابعاد مختلفی دارد که مهمترین آنها ابعاد زیستی، حقوقی، اجتماعی، و اقتصادی است (باری^۹، ۱۳۸۰: ۱۵۹). همچنین رفاه شامل اجزای اصلی تامین اجتماعی، اشتغال، آموزش و پرورش، بهداشت و مسکن است (بمانیان و محمودی نژاد، ۱۳۸۷: ۸۴-۸۶).

در دوران پست مدرنیته، با گسترش و تنوع فوق العاده رفاه، فرهنگی شکل گرفته است که می‌توان از آن به «فرهنگ رفاه» تعبیر کرد. فرهنگ رفاه به معنی اصالت یافتن رفاه مادی و اومانستی است که، در واقع، نوعی ابراز وجود برای سوژه احساس گرا و به شدت سطحی شده می‌باشد. حاکمیت این فرهنگ پیامدهای خاصی برای نوع و رویکرد دینداری پیروان ادیان گوناگون به همراه

¹ Cheladurai

² Tornblom & Jonson

³ Midgely

⁴ Wilkinson

⁵ Brehm

⁶ Reader

⁷ Smit & Ramsey

⁸ Bannet

⁹ Giddens

داشته است (علمی و حمیدیه، ۱۳۸۹: ۲-۱). اما از سوی دیگر دینداری نیز بر تلقی از رفاه و سیاست‌های رفاهی تاثیرگذار بوده است.

در پژوهش‌های مختلف تاثیر عوامل مختلف بر روی مقوله رفاه مورد بررسی قرار گرفته است. در این پژوهش به صورت اختصاصی تاثیر نوع گرایش سیاسی و میزان دینداری شهروندان بر روی احساس عدالت توزیعی در برنامه‌های رفاهی دولت مد نظر قرار گرفته است.

گرایش به معنای جهت‌گیری کلی و ارزش‌گذاری نسبت به موضوع معین است. مثلاً موافق یا مخالف چیزی بودن، چیزی را خوب دانستن و درست یا غلط ندانستن و غیره (کلود تاپیا، ۱۳۷۹: ۳۳). لذا می‌توان گفت گرایش نتیجه یک ذهنیت و نگرش است که به کنش اجتماعی منجر می‌شود. آلپورت^۱ گرایش را به عنوان حالت ذهنی که فرد را برای انجام کنش آماده می‌سازد و جز متغیرهای واسطه غیر قابل مشاهده هست تعریف می‌کند (کلود تاپیا، ۱۳۷۹: ۳۵). نوع گرایش یا حالت ذهنی در این تحقیق از نوع سیاسی است. بر این اساس گرایشی که معطوف به رفتار سیاسی یا نظام سیاسی باشد گرایش سیاسی نامیده می‌شود (سبکتکین ریزی، موحدی، ۱۳۸۴: ۹۰-۹۱). گرایش سیاسی تابعی از مناسک فعالیت‌های سیاسی است. گرایش سیاسی به بحث و گفتگوی آزاد سیاسی و ترویج فرهنگ گفتمان بستگی دارد. انسانها از تاثیر عوامل اجتماعی و جمعیتی بر گرایش‌های سیاسی مجموعه نسبتاً ثابتی از معانی و گرایش‌ها را کسب می‌کنند. این جامعه‌پذیری سیاسی ترکیبی از مکانیسم، روندها و نهادهای گوناگون است.

دینی بودن نیز عنوان عامی است که به هر فرد یا پدیده‌ای که ارزش‌ها و نشانه‌های دینی در آن متجلی باشد اطلاق می‌شود. فرد متدین از یکسو خود را ملتزم به رعایت فرامین و توصیه‌های دینی می‌داند و از سوی دیگر اهتمام و ممارست‌های دینی او را به انسانی متفاوت با دیگران بدل می‌سازد. بنابراین به دو طریق یا با دو نشانه می‌توان او را از دیگران بازشناخت. یکی از طریق پایبندی و التزام دینی‌اش و دیگری از پیامد دینداری و آثار تدین در فکر و جان و عمل فردی و اجتماعی او (شجاعی زند، ۱۳۸۴: ۳۶). دینداری به بیان کلی یعنی داشتن اهتمام دینی به نحوی که نگرش و گرایش فرد را متأثر سازد (هیمل فارب^۲، ۱۹۷۵).

فرض کلیدی این پژوهش آن است که دینداری و گرایش سیاسی از متغیرهایی هستند که نوع ارزیابی افراد را از برنامه‌های رفاهی دولت‌ها تحت تاثیر قرار می‌دهند. برخی از دلایل این تاثیر گذاری عبارتند از:

الف- با تغییر دولت‌ها، نوع نگاه آنها به مساله رفاه اجتماعی و توزیع رفاه دستخوش تغییر می‌شود. حمایت مردم از دولت‌ها نیز تحت تاثیر گرایش سیاسی قرار دارد.

ب- حکومت دینی، دارای گفتمانی است که فقر و رفاه را متفاوت از گفتمان‌های غیر دینی تفسیر می‌کند. در نتیجه حامیان و مخاطبان این نوع گفتمان، در مقایسه با دیگر افراد، نگرشی متفاوت از برنامه‌های رفاهی دولت خواهند داشت.

ج- همچنین، هم افزایی تاثیرات گرایش سیاسی با میزان دینداری و یا بر عکس، خنثی سازی این تاثیرات، وابسته به نوع دولت‌ها است.

بر این اساس تاثیرات دین و گرایش سیاسی را می‌توان در مساله رفاه اجتماعی و عدالت توزیعی نیز ردیابی نمود. با نگاهی مختصر به گروه‌های معنویت‌گرای نوین در نقاط مختلف جهان، می‌توان به روشنی دید که چگونه دین‌ورزی به تأصل و ارزش رفاه گره خورده است، بلکه دین‌ورزی و دینداری، اصولاً، عبارت شده است از کشف رازهای گیتی و آنها را به خدمت رفاه خویش درآوردن، ثروتمندی، شاد و بشاش زیستن و اموری از این دست (علمی و حمیدیه، ۱۳۸۹: ۱۸). مفهوم عام رفاه و تامین در بسیاری از ادیان از جمله مهمترین اهداف برشمرده شده سعادت بشری بوده است و در قالب واژه‌هایی همچون عدل، یاری به

¹ Allport

² Himmelfarb, Harold S.

نیازمندان و ... معنا می‌یابد. گرچه بنا به رویکردهای مختلف و نیز شرایط اجتماعی و سازوکارهای این جهانی، پاسخگویی به بخشی از آن به جهان دیگر احاله شده است (یزدانی، ۱۳۸۲: ۳۲). این تاثیرات به نوعی دیگر درباره گرایش سیاسی نیز قابل جستجو است. با وجود تاثیرات گرایش سیاسی و میزان دینداری در ارزیابی رفاه اجتماعی به ویژه در بعد احساس عدالت توزیعی، رکود و فقر اقتصادی چند سال اخیر و تبعات بحران کرونا، مساله رفاه اجتماعی را دوباره از دیدگاه مردم به موضوعی کلیدی و حیاتی تبدیل کرده است. در این حالت این پرسش مطرح می‌شود که آیا تبعات این بحران‌ها موجب شده است ارزیابی برنامه‌های رفاهی دولت، خود را از تاثیرات گرایش سیاسی و میزان دینداری برهاند.

این بررسی از آنجا ضرورت دارد که مرور پژوهش‌های انجام یافته در این حوزه نشان از خلا پژوهشی دارد. همچنین با تغییر دولت‌ها، سیاست‌های رفاهی به ویژه اولویت‌ها و نوع برنامه ریزی و جامعه هدف در آنها دگرگون می‌شود که موجب می‌شود هم افزایی تاثیرات متغیرهای گرایش سیاسی و دینداری با نوع دولت حاکم تغییر یابد. با این رویکرد، این پژوهش در پی پاسخگویی به سوال کلیدی زیر است؟

آیا میزان دینداری و نوع گرایش سیاسی شهروندان بر احساس عدالت توزیعی شهروندان در برنامه‌های رفاهی دولت موثر است؟

پیشینه تحقیق

در رصد پژوهش‌های مرتبط با رفاه اجتماعی و سیاست‌های رفاهی، به ندرت پژوهشی به تاثیر مقوله دینداری و گرایش سیاسی پرداخته است و این پژوهش از نظر پرداختن مستقل به این موضوع نوآورانه است. در زیر دو پژوهش مرتبط با موضوع مرور شده است پژوهش سالارزاده و شیخی (۱۳۸۶) با عنوان «بررسی میزان توجه نمایندگان دوره‌های چهارم و ششم مجلس شورای اسلامی به مقولات مختلف رفاه اجتماعی» با روش تحقیق اسنادی و با تکنیک تحلیل محتوای نطق‌های پیش از دستور نمایندگان به اجرا در آمده است. تحلیل محتوای این نطق‌ها نشان داد که تفاوت در میزان توجه به مقوله‌های رفاهی چون میزان امنیت، نحوه توزیع قدرت و میزان آزادی‌های فردی را می‌توان ناشی از وجود تفاوت در گرایش عمده سیاسی و گروه بندی سیاسی دو مجلس دانست. هزار جریبی (۱۳۹۰). در تحقیقی به "بررسی احساس عدالت اجتماعی (عدالت توزیعی) و عوامل موثر بر آن (مطالعه موردی شهر تهران)" پرداخت. در پژوهش حاضر جهت سنجش میزان احساس عدالت اجتماعی (متغیر وابسته تحقیق)، از دو متغیر "عدالت توزیعی و عدالت رویه ای" استفاده شد. جامعه آماری تحقیق شامل سه شهروندان منطقه ۳، ۱۰ و ۱۸ تهران است. نتایج نشان می‌دهد در عوامل تبیین کننده رفاه بر طبق مدل رگرسیونی متغیرهای "اعتماد به کارایی مسئولین، و دینداری،" دارای تأثیر افزاینده بر میزان احساس عدالت در بین افراد می‌باشند.

در پژوهش سالار زاده و شیخی بر ساخت رفاه در میان نخبه‌ها مورد توجه قرار گرفته است. تفاوت بر ساخت رفاه در میان شهروندان با نخبه‌ها به ویژه کسانی که در تصمیم سازی برای سیاست‌های رفاهی نقش آفرینی دارند در آن است که بر ساخت رفاه در نخبه‌ها بر زندگی شهروندان تاثیر دارد؛ اما بر ساخت رفاه در شهروندان عادی فقط نیازهای خود آنها را منعکس می‌کند که بر زندگی نخبه‌ها تاثیری ندارد. هر چند ممکن است نخبه‌ها تحت تاثیر بر ساخت رفاهی شهروندان در سیاستگذاری‌های رفاهی تجدید نظر کنند.

پژوهش هزار جریبی نیز مشابهت‌هایی با موضوع پژوهش حاضر دارد، اما عدالت اجتماعی با عدالت رفاهی همیشه هم ارز و هم سنگ نیست. به عبارت دیگر یکی از ابعاد عدالت اجتماعی می‌تواند رفاه اجتماعی باشد، اما عدالت ابعاد دیگری نیز می‌تواند داشته باشد. به ویژه در این پژوهش عدالت رفاهی در برنامه‌های توسعه مد نظر قرار گرفته است که آن را متمایز می‌سازد. همچنین بر ساخت عدالت رفاهی در بین شهروندان تهرانی را به راحتی نمی‌توان به شهروندان خرم آبادی تعمیم داد.

از طرف دیگر در سال‌های اخیر بسیاری از اقشار متوسط جامعه به زیر خط فقر سقوط کرده اند. این تغییر جایگاه اقتصادی، با ثابت ماندن جایگاه فرهنگی و سرمایه فرهنگی به «ناسازگای پایگاهی» شهروندان منجر شده است که به احتمال تاثیرات دین و سیاست را بر نگرش‌های رفاهی دچار تغییر خواهد کرد. در نتیجه در حوزه پژوهش این مقاله با خلاء جدی مواجه هستیم که اهمیت و ضرورت آن را دوچندان کرده است.

چارچوب نظری

چارچوب نظری این پژوهش بر مبنای نظریه بورديو، چشم انداز فرهنگی و اندیشه ای به سیاستگذاری اجتماعی، و نظریه‌های نقد دولت رفاه تدوین شده است. کلیدواژه اصلی نظریه بورديو برای بررسی رفاه اجتماعی و عدالت رفاهی "عادت واره" است. عادت واره ساختمان ذهنی شهروندان است که در میدان (ساختارهای زمینه‌ای) که آنها در آن قرار گرفته اند شکل می‌گیرد. این رابطه دیالکتیکی بین عاملیت و ساختار در عملکرد خود را نشان می‌دهد (ریترز، ۱۳۸۳: ۷۱۶).

به اعتقاد بورديو از طریق عملکرد افراد در زمینه، منش با میدان (زمینه) ارتباط پیدا می‌کند. عملکرد واسطه منش با میدان (زمینه) است. منش از طریق عملکرد ساخته می‌شود و زمینه در نتیجه عملکرد آفریده می‌شود. در حالیکه عملکرد به شکل بخشیدن منش گرایش دارد، منش نیز عملکرد را ایجاد کرده و آن را وحدت می‌بخشد (ریترز، ۱۳۸۳: ۷۲۲). منش اصولی را فراهم می‌سازد که آدمها بر پایه آنها گزینش می‌کنند. منش در بیشتر فعالیتهای عملی انسانها (عملکرد) خود را نشان می‌دهد. به نظر بورديو رابطه میان منش و میدان (زمینه) به دو صورت عمده عمل می‌کند. از یک سو، میدان (زمینه) منش را مشروط می‌سازد؛ و از سوی دیگر منش، میدان (زمینه) را به عنوان چیز معنی داری که منطبق و ارزش دارد و به سرمایه گذاری انرژی می‌آورد، می‌سازد (ریترز، ۱۳۸۳: ۷۲۶). با کاربرد نظریه بورديو در تبیین تاثیر دینداری و نوع گرایش سیاسی در بساخت رفاه اجتماعی و عدالت رفاهی باید گفت این دو مقوله، میدان (زمینه) در اختیار شهروند را تغییر می‌دهند. میدان دین، به وجود انسان و جهان معنا می‌بخشد. هم عقیده با پتر برگر، انسانها به جهت ناقص بودن ساختار غریزی شان، در طی قرون تلاش کرده‌اند تا از طریق دین، وجود خود و جهان را معنادار سازند (علم، ۱۳۸۶: ۶۷). میدان سیاست، نیز زندگی با مسالمت و سودآور را چه از لحاظ مادی و چه از لحاظ معنوی از طریق اعمال قدرت، و قدرت ظرفیت و توانایی حصول به نتایج دلخواه به آدمی فراهم می‌کند. میدان دین، در جامعه ایران از آن نظر میدان سیاست را محدود می‌کند که اولاً "نگرش افراد و جهان بینی آنها را برای فعالیت‌های سیاسی مشخص می‌کند. دوم اینکه در جامعه دینی ما سیاست بر اساس آموزه‌های دینی تدوین شده است و دین تاثیری جدایی ناپذیر بر سیاست دارد. با توجه به منافع دولت‌ها در ارزیابی مثبت از برنامه‌های رفاهی، این میادین می‌تواند در جانب‌داری یا ضدیت با برنامه‌های رفاهی موثر واقع شوند. به عبارت دیگر میادین دین و سیاست به صورت سوگیرانه می‌تواند ارزیابی‌های شهروندان را از برنامه‌های رفاهی دولت بالاتر و یا پایین‌تر از واقعیت‌های موجود جلوه دهد.

تاثیر بر همکنش سیاست و دین در سیاستگذاری‌های اجتماعی دولت را می‌توان براساس چشم انداز فرهنگی و اندیشه ای به سیاستگذاری اجتماعی نیز پیگیری نمود. بر اساس این چشم انداز نظری، فهم کنشگران از جهان شان که در متغیرهایی چون دینداری قابل ردیابی است، تاثیر اساسی بر نگرش آنها به سیاستگذاری اجتماعی دارد. در این رویکرد، همچنین بر نقش ایده‌ها و فرایندهای استدلالی تاثیرگذار بر توسعه سیاستگذاری اقتصادی و اجتماعی تاکید می‌شود. به طور کلی، ایده‌ها بر «ادعاهایی درباره توصیف جهان، روابط علی یا مشروعیت هنجاری کنشهای معین دلالت دارند (بلاند^۱، ۲۰۱۰: ۸۸). بر اساس چشم انداز فرهنگی تربرون و گوگ^۲ (۲۰۱۰) از عوامل اصلی تاثیرگذار بر نگرش سیاستگذاری رفاهی به ویژه مساله عدالت، توجه به مسایل سیاسی

¹ Beland

² Therborn & Gough

نظیر تاثیر دموکراسی و کنش‌های سیاسی به ویژه بر اساس منفعت گروه‌های ذینفع و منفعتها کنشگران جمعی در زمینه توزیع منابع قدرت است. از دیدگاه آنها جهت‌گیری‌های فلسفی، مذهبی و سیاسی عامل اصلی در تعیین و توسعه سیاست‌های اجتماعی هستند. در این میان بلیک مور (۱۳۸۵) در عوامل تاثیرگذار بر نگرش به سیاستگذاری اجتماعی به عوامل کنترل سیاسی، و تاثیر نگرش مذهبی اشاره دارد (بلیک مور، ۱۳۸۵، ۱۴۶).

نظریه‌های هنجاری سیاستگذاری اجتماعی نیز به شناخت سیاستگذاری اجتماعی مناسب برحسب ارزش‌ها، ایدئولوژیها و اهداف سیاسی کمک می‌کنند. نظریه‌های هنجاری نشان دهنده رابطه سیاستگذاری اجتماعی با ایدئولوژیهای سیاسی است. مجموعه ای از باورها و ارزش‌های اجتماعی در شکل دهی و صورت‌بندی ایدئولوژی‌های رفاهی نقش دارند. این مجموعه، بسته به ویژگی‌های تاریخی، اجتماعی و بافتار جمعیتی کشورها، شامل مؤلفه‌های مختلفی مانند عدالت، آزادی، انصاف، انسجام اجتماعی، شهروندی، ارزش‌های خانواده، حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی، مسائل نژادی، قومی، جنسیتی و مسائل زیست محیطی می‌شود. این مؤلفه‌ها، اصول راهنمایی هستند که زیربنای سیاستگذاری اجتماعی در کشورهای مختلف را شکل می‌دهند (وصالی و امید، ۱۳۹۳: ۱۹۶).

برای بررسی ارزیابی شهروندان از برنامه‌های رفاهی دولت‌ها بهره‌گیری از نظریه نقد دولت رفاه مفید و الهام بخش باشد. دولت رفاه دلالت دارد بر وجود سیاست‌های سنجیده و هوشمندانه‌ای در زمینه تامین دست کم حداقل استاندارد زندگی برای همه و ارتقاء برابری در فرصت‌های زندگی؛ و در آن هیچ تردیدی در زمینه ضرورت تمرکز توجه کلیه نهادهای رسمی در تامین خدمات همگانی وجود ندارد. در ادبیات موجود در این زمینه همه جا بر روی دو اصل اساسی تاکید شده است: اول تامین خدمات رفاهی برای تضمین بقا در شرایط اقتصاد آزاد (سرمایه داری مدرن) و دوم؛ وجود دولت دموکراتیک. دولت رفاه نتیجه نهادین بر عهده گرفتن مسئولیت آشکار بهزیستی و رفاه کلیه اعضا از سوی یک جامعه (دولت) قانونی و رسمی است. در معنای خاص، دلالت بر وضعیت ویژه‌ای دارد که در آن دولت‌های طرفدار اقتصاد آزاد، تامین پایه‌ای‌ترین خدمات اجتماعی و ارائه سطوح معینی از خدمات رفاهی به توده‌های نیازمند را به منظور ایجاد تعادل و توازن اجتماعی و سیاسی به عهده می‌گیرد (زاهدی، ۱۳۸۲: ۲۸۹ - ۲۸۸).

مفهوم قرن بیستمی دولت رفاه با بسط پنج زمینه اصلی و مهم در خدمات اجتماعی و رفاهی همراه بوده است که از این قرارند: حمایت از سالمندان، بیمه اجتماعی، تامین اجتماعی خانواده، زمینه سازی برای گسترش فرصت‌های اشتغال، مراقبت‌های پزشکی (زاهدی، ۱۳۸۲: ۳۰۶-۳۱۱). دولت رفاه نظیر هر پدیده توسعه‌ای دارای جنبه‌های مثبت و منفی است. مهمترین جنبه مثبت آن حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و نیازمندان، بهبود سطح زندگی عمومی و افزایش رفاه همگانی است. البته این نتایج مثبت عمدتاً محدود و منحصر به تعداد معینی از کشورهای صنعتی شده غربی است. در مقابل این نتایج مثبت محدود، سیاهه تفصیلی تری از جنبه‌های منفی دولت رفاه می‌توان به دست داد که بر خلاف جنبه‌های مثبت یاد شده محدود و منحصر به تعداد محدودی از کشورها نیست. در راس این جنبه‌های منفی می‌توان از شکل‌گیری دولت‌های حداکثری اقتدارگرا، کم تحمل و اغلب نقدناپذیری نام برد که ضمن کوشش برای برقراری برابری هرچه بیشتر، اغلب موجب بروز شدیدترین شکل‌های نابرابری و تبعیض می‌شوند. شبیه دولت‌های سوسیالیستی به اعتبار امکانات محدودی که در اختیار عموم می‌گذارند، حق هرگونه دخالت در همه جنبه‌های زندگی اجتماعی و شخصی افراد را برای خود قائل اند و اغلب نیز از این مساله به نحو بسیار گسترده‌ای در جهت تقویت اقتدار و تحکیم قدرت یک گروه محدودی از افراد (حکومتگران) در مقابل بی‌قدرت‌سازی اکثریت مردم استفاده می‌کنند (زاهدی، ۱۳۸۲: ۳۱۱).

دولت رفاه به دلیل نارسایی‌های آن و به ویژه به خاطر پیامدهای نامطلوب در ابعاد سیاسی و اجتماعی در معرض نقادی‌های جدی و متنوعی قرار گرفته است. از جمله برجسته‌ترین نقادان می‌توان از هابرماس، و ژولیان لوگران نام برد.

به نظر هابرماس مرحله پیشرفته سرمایه‌داری که در آن دولت‌های رفاه ظهور کرده‌اند، با وضعیت بی ثباتی تشدید شونده‌ای روبروست که او آن را با «گرایش‌های بحران»^۱ مشخص می‌کند. از دید او، دولت رفاه که زائیده پریشانی اقتصادی است از اتحاد رهبران سیاسی با نخبگان اقتصادی به وجود آمده است. این دولت اقتصاد و حکومت را به هم پیوند داده و به این ترتیب حوزه عمومی را محدود ساخته است. هابرماس برای توصیف این وضعیت اصطلاح «باز فئودالی شدن» را به کار می‌برد که به طور نمادین معرف تهدید آشکار حوزه عمومی از طریق تقویت بی حساب اقتدار دولت و تبدیل آن به یک نهاد سلطه‌گر و نقد ناپذیر و شبه فئودالی است. از دید او این وضعیت موجب بروز بحران مشروعیت می‌شود که تجلی آن بی ثباتی است که به نوبه خود به ظهور جنبش‌های جدید اجتماعی منجر می‌شود که با ارزش‌های نظام حاکم به مقابله و رویارویی می‌پردازند. اگرچه هابرماس در تحلیل خود از بحران مشروعیت اشاره‌ای به وضعیت کشورهای در حال توسعه نمی‌کند، اما بر مبنای دیدگاه او با توجه به وقایع سیاسی جاری در این کشورها می‌توان نتیجه گرفت که بحران مشروعیت در این کشورها به بی‌ثباتی مزمن و مستمری منجر می‌شود که نتیجه غایی آن تغییر پی‌درپی نظام‌های سیاسی حاکم و به تبع آن بی‌ثباتی ارزش‌ها و هنجارهای سیاسی کنترل و مدیریت اجتماعی است. بی‌ثباتی و تغییر به نوبه خود گسست‌های اغلب چاره‌ناپذیری را در روند توسعه و نوسازی پدید می‌آورند و به همین اعتبار می‌توان آنها را «عوامل ضد توسعه‌ای» ارزیابی کرد (زاهدی، ۱۳۸۲: ۳۱۲-۳۱۳).

ژولیان لوگران (۱۹۸۲) برای ارزیابی عملکرد دولت رفاه از تمیز بین پنج نوع برابری بهره می‌گیرد: برابری هزینه‌های عمومی، برابری درآمد نهایی، برابری استفاده، برابری هزینه، برابری نتیجه. لوگران بر این عقیده است که دولت رفاه در تحقق یکایک هدف‌های فوق شکست خورده است. این موضوع اساساً از تناقضی سرچشمه می‌گیرد که دولت رفاه گرفتار آن است. منظور بسیاری از پایه‌گذاران دولت رفاه این بود که این تأسیس بتواند مظهر اخلاق برابری باشد ولی در عین حال نابرابری‌های سنگین موجود در جامعه سرمایه‌داری را به طور بنیادی به خطر نیفکند (فیتزپتریک، ۱۳۸۱: ۷۳-۷۴).

از دیدگاه جامعه‌شناسی سه پیامد مهم برای دولت رفاه را می‌توان به قرار زیر بر شمرد:

- دولت رفاه در اجرای کارکرد هایش به طور آشکاری روزه‌روز سرکوبگر تر شده و کارکردهای کنترلی و مراقبتی آن تشدید می‌شود.
- کارکردهای دولت رفاه از طریق تشبث به اصل عقلانی سازی روزه‌روز متمرکزتر شده و از این طریق نهادهای دیوانسالار عظیم تر و دست و پاگیر در پدید می‌آورد.
- دولت رفاه به مثابه یک سیاست توده وار می‌تواند به نحوی تاریخی توده‌ها را در مقیاس عظیم برای «خود-عقیم سازی» بسیج کند.
- اگرچه رفاه همگانی امری پسندیده و ضروری است و دولت رفاه را به جهت کوشش آن برای تامین رفاه همگان نمی‌توان سرزنش کرد و در معرض نقادی قرار داد، اما نکته مهم آن است که وضعیت تناقض نمادی دولت رفاه به دلیل ناهمسوی هدف تامین رفاه همگانی و واقعیت تمرکز قدرت در دست گروهی محدود از اعضای یک جامعه و تقویت مستمر در دست گروهی محدود از اعضای یک جامعه و تقویت مستمر اقتدار آنان، نارسایی و ضعفی قابل اغماض نیست. به ویژه که تجربه تاریخی الگوی توسعه دولت رفاه خواسته در شرایط جهان سومی مبین آن است که تناقض اشاره شده عموماً^۲ به نفع تمرکز قدرت و از طریق بسط مهار ناپذیر نابرابری‌های اجتماعی و تبعیض و فقر یعنی «استحاله دولت رفاه» به پدیده‌ای ضد اهداف خود و به عاملی توسعه ستیز حل می‌شود. (زاهدی، ۱۳۸۲: ۳۱۴).

فرضیه‌های پژوهش

- میزان دینداری شهروندان بر احساس عدالت توزیعی شهروندان در برنامه‌های رفاهی دولت موثر است.
- نوع گرایش سیاسی شهروندان بر احساس عدالت توزیعی شهروندان در برنامه‌های رفاهی دولت موثر است.

روش‌شناسی تحقیق

نوع تحقیق: روش اصلی به کار گرفته در این پژوهش روش کمی با پیمایش مقطعی است. جمعیت و نمونه تحقیق: شهروندان خرم‌آبادی به عنوان جامعه آماری پژوهش طبق سرشماری سال ۱۳۹۵ مرکز آمار ایران، ۳۷۳،۴۱۶ نفر را شامل می‌شود. بر اساس فرمول کوکران تعداد نمونه حدود ۳۸۴ نفر برآورد شد، اما جهت اطمینان از افت نمونه تعداد ۴۰۰ نفر بصورت نمونه در دسترس انتخاب شد. شیوه نمونه‌گیری پژوهش تلفیقی از نمونه‌گیری خوشه‌ای و طبقه‌بندی نامتناسب است. این تلفیق به خاطر ساختار جمعیت آماری پژوهش بوده است (رفیع پور، ۱۳۸۳: ۳۸۸-۳۸۹). در طرح نمونه‌گیری پژوهش با در نظر گرفتن متغیر میزان برخورداری از رفاه اجتماعی مناطق شهری خرم‌آباد سعی شده است تا حد امکان، پرسشنامه‌ها به تناسب جمعیت شهری بین مناطق مرفه، متوسط، و پایین توزیع شود.

ابزار اندازه‌گیری و روایی و پایایی آن

ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه است. این پرسشنامه که بر اساس تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای پژوهش تدوین شده است دارای روایی صوری است. احراز روایی صوری با تایید متخصصان و صاحب‌نظران درباره کلیت پرسشنامه و مطلوب بودن آن در جهت پاسخگویی به سوالات تحقیق به دست آمده است. به منظور سنجش میزان پایایی پرسشنامه از تکنیک هم‌انگهی درونی گویه‌ها یا آلفای کرونباخ استفاده شد. تمامی متغیرهای مورد بررسی، مقدار آلفای کرونباخ بالاتر از ۰٫۷ داشتند.

جدول ۱- مقدار آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش

متغیر	تعداد گویه‌ها	مقدار آلفای کرونباخ
احساس عدالت توزیعی در رفاه اجتماعی	۴۹	۰/۹۴۵
ارزیابی برنامه‌های رفاهی دولت‌های پیشین	۴	۰/۷۱
میزان عمل به شعایر دینی	۵	۰/۸۶۷

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

احساس عدالت توزیعی در برنامه‌های رفاهی

تمرکز اصلی عدالت توزیعی بر روی نتایج دریافت شده افراد یا گروه‌ها نسبت به همدیگر و هدف اصلی آن، توزیع منابع بین آنها (چلادورای^۱، ۲۰۰۶) و منطق آن بر سه اصل اساسی «انصاف، مساوات و نیاز» استوار است (تورنبلوم و جانسون^۲، ۱۹۸۵). برنامه‌های رفاهی را نیز بر اساس فلسفه دولت رفاه، سیاست‌های سنجیده و هوشمندانه‌ای می‌توان تلقی نمود که در آن دولت‌های طرفدار اقتصاد آزاد، تامین پایه‌ای‌ترین خدمات اجتماعی و ارائه سطوح معینی از خدمات رفاهی به توده‌های نیازمند را به منظور ایجاد تعادل و توازن اجتماعی و سیاسی به عهده می‌گیرند (زاهدی، ۱۳۸۲: ۲۸۹-۲۸۸). ابعاد مختلف این برنامه‌ها با جرح و تعدیل در شاخص لگاتوم^۳ (لگاتوم، ۲۰۱۴) شامل نه بعد معیشتی و اقتصادی، فرصت‌های کار و اشتغال، بهداشت و درمان، آموزش، امنیت و

^۱ Cheladurai

^۲ Tornblom & Jonson

^۳ Legatum

آسایش، آزادی‌های فردی، حکمروایی، رسانه‌ها و ارتباطات، تفریح و سرگرمی می‌شود. متغیر «میزان احساس عدالت توزیعی در برنامه‌های رفاهی» از طریق نگرش افراد درباره میزان بهره‌مندی عادلانه از ابعاد مختلف امکانات رفاهی مورد سنجش قرار گرفت. گویه‌های این متغیر در قالب طیف لیکرت بر اساس احساس بهره‌مندی عادلانه (بسیار کم، کم، متوسط، زیاد، بسیار زیاد) طراحی شده است.

گرایش سیاسی

گرایش‌های سیاسی، چارچوبی از افکار است که خیر عمومی در آن نهفته است (شهریاری، ۱۳۹۳). گروه‌های اولیه و اجتماعی تأثیر زیادی بر گرایش و فعالیت سیاسی افراد به جای می‌گذارند (وربا^۱ و همکاران، ۱۹۹۵). گرایش سیاسی بر نگرش افراد به نوع سیاستگذاری‌های رفاهی موثر است؛ چون احزاب سیاسی در پرداختن به مقوله رفاه اجتماعی اولویت‌های متفاوتی دارند. گرایش سیاسی در این پژوهش بر اساس رای احتمالی شهروندان به گرایش‌های سیاسی مختلف در انتخابات مختلف مورد سنجش قرار گرفته است.

میزان عمل به شعایر دینی

دین در کنار حکومت، اقتصاد، آموزش و پرورش و خانواده یکی از پنج نهاد اجتماعی اساسی و اولیه در هر جامعه است. نهاد دین دارای قدمت است و شکل‌گیری آن مترادف با شکل‌گیری جامعه بشری است. این نهاد هم قبل از به وجود آمدن فرد و هم بعد از آن وجود داشته است و فرد در بدو تولد آن را در مقابل خود می‌یابد. این نهاد به کندی تغییر می‌کند، اما از بین نمی‌رود زیرا لازمه حیات اجتماعی جامعه انسانی است (وثوقی و نیک خلق، ۱۳۷۰: ۱۵۵۱). حاکمیت «فرهنگ رفاه در دوران پست مدرنیته» پیامدهای خاصی برای نوع و رویکرد دینداری پیروان ادیان گوناگون به همراه داشته است (علمی و حمیدیه، ۱۳۸۹: ۱-۲).

دینداری یا تدین عبارت است از التزام فرد به دین مورد قبول خویش. این التزام در مجموعه‌ای از اعتقادات، احساسات، اعمال فردی و جمعی که پیرامون خداوند (امر قدسی) و رابطه‌ای ایمانی با او، سامان می‌پذیرد. به طور خلاصه، دینداری یعنی میزان علاقه، احترام، سلوک و پایبندی (التزام) افراد به دین اسلام (طالبان، ۱۳۸۰: ۵۰-۴۹). عمل به شعایر دینی بخشی از دینداری است که در قالب اعمال فردی یا جمعی انجام می‌گیرد.

این متغیر در نگرش فرد به رفاه از آن جهت تاثیرگذار است که جهت‌گیری‌های فرد را نسبت به سبک زندگی بر اساس آموزه‌های دینی معین می‌کند. میزان عمل یا شرکت شهروندان در برخی آیین‌ها و مراسم دینی در قالب طیف لیکرتی سه‌گزینه‌ای (هرگز / گاهی / همیشه) مورد سنجش قرار گرفته است.

ارزیابی و امید به برنامه‌های رفاهی

ارزیابی برنامه‌های رفاهی دولت بیش از اینکه عمل تصمیم‌گیری در مورد اینکه «این برنامه‌ها غلط است» باشد تلاشی است برای مشخص کردن اینکه «این برنامه‌ها چگونه می‌تواند بهبود یابد». هدف یک ارزیابی نیز فراتر از تعیین موفق بودن، یک راهبرد برای پایداری است. (نجمان^۲، ۱۹۹۷: ۲۱).

منشأ هر پویایی و پیشرفتی در زندگی انسان، امید است؛ و امید به آینده یکی از نیازهای اساسی انسانهاست، چراکه انسان ناامید نمی‌تواند در راه تحقق اهداف فردی و خصوصاً اجتماعی گام بردارد (محققان و پرچم، ۱۳۹۱: ۸). بر این اساس امید به برنامه‌های رفاهی عبارت است از ارزیابی مثبت از آنچه را که فرد متمایل است و می‌خواهد در برنامه‌های رفاهی دولت‌ها به وقوع بپیوندد.

^۱ Verba

^۲ Najman

در این پژوهش ارزیابی شهروندان از برنامه رفاهی دولت‌های پیشین بر اساس طیف لیکرتی پنج گزینه‌ای (بسیار ضعیف / ضعیف / متوسط / قوی / بسیار قوی) انجام یافته است. متغیر امید به برنامه‌های رفاهی دولت آینده بر اساس پیش بینی شهروندان از کیفیت این برنامه‌ها بر مبنای طیف لیکرتی پنج گزینه‌ای (بسیار بدتر خواهد بود / بدتر خواهد بود / تفاوتی چندانی نخواهد کرد / بهتر خواهد بود / بسیار بهتر خواهد بود) مورد سنجش قرار گرفته است.

یافته‌ها

بافت نمونه: از نظر ۴۰,۳ درصد پاسخگویان زن و ۵۹,۷ درصد آنها مرد بودند. ۲۲,۲ درصد آنها در مناطق گران شهر، ۵۹,۸ درصد در مناطق متوسط و ۱۸ درصد در مناطق ارزان شهر خرم آباد سکونت داشتند.

گرایش سیاسی

با توجه به نتایج جدول توزیع فراوانی گرایش سیاسی، ۲۲ درصد پاسخگویان گرایش سیاسی اصلاح طلب، نزدیک به همین میزان یعنی ۲۱,۵ درصد اصول گرا و ۲۱,۵ درصد نیز گرایش سیاسی مستقل دارند. در این میان ۳۵,۱ درصد نیز هیچ گرایش سیاسی به این سه مورد ندارند.

میزان عمل به شعایر دینی

با توجه به نتایج جداول، در متغیر میزان عمل به شعایر دینی ۵۰ درصد پاسخگویان اذعان به عمل همیشگی به فریضه نماز یومیه دارند؛ اما در فریضه نماز جمعه فقط ۷,۱ درصد آن را همیشه انجام می‌دهند. در عدم تعهد به فرایض دینی نیز ۴۴,۶ درصد افراد هرگز در نماز جمعه شرکت نمی‌کنند. این عدم تعهد در نماز یومیه ۲۳,۲ درصد، روزه ۲۲,۲ درصد، قرائت قرآن ۲۲ درصد و مراسم دعا ۲۶,۱ درصد است. در دسته بندی پاسخگویان بر اساس میزان عمل به شعایر دینی نیز افرادی با میانگین بالای عمل به شعایر دینی از میانگین میزان احساس عدالت توزیعی در رفاه اجتماعی شهروندان بالایی برخوردار هستند.

جدول ۲- توزیع درصد فراوانی پاسخگویان بر اساس گویه‌های میزان عمل به شعایر دینی

عمل به شعایر دینی	توزیع	هرگز	گاهی	همیشه	جمع
نماز یومیه	درصد	۲۳/۲	۲۶/۸	۵۰/۰	۱۰۰/۰
روزه	درصد	۲۲/۲	۳۳/۷	۴۴/۱	۱۰۰/۰
قرائت قرآن	درصد	۲۲/۰	۵۷/۶	۲۰/۵	۱۰۰/۰
مراسم دعا	درصد	۲۶/۱	۵۲/۰	۲۲/۰	۱۰۰/۰
میزان عمل به شعایر دینی	درصد	میانگین میزان احساس عدالت توزیعی در رفاه اجتماعی			
کم	۲۶/۸	۱۱۳/۹۸			
متوسط	۵۲/۷	۱۲۶/۶۵			
زیاد	۲۰/۵	۱۳۵/۹۶			
جمع	۱۰۰/۰	۱۲۵/۱۶			

توصیف احساس عدالت توزیعی

میزان احساس عدالت توزیعی در رفاه اجتماعی شهروندان در نه بعد، مورد سنجش قرار گرفته است (جدول ۳). اطلاعات جدول زیر را می‌توان به صورت زیر خلاصه نمود:

بررسی تاثیر دینداری و گرایش سیاسی بر احساس عدالت توزیعی شهروندان در برنامه‌های توسعه رفاهی دولت / ۱۱۹

کم‌ترین بعد احساس عدالت توزیعی به ترتیب به ابعاد فرصت‌های کار و اشتغال (۷۸,۵ درصد) و حکمروایی (۵۷,۸ درصد) مربوط می‌شود.

بالاترین بعد احساس عدالت توزیعی به ترتیب به ابعاد آزادی‌های فردی (۲۷,۲ درصد) و بهره‌مندی از رسانه‌ها و ارتباطات (۲۳,۷ درصد) مربوط می‌شود.

در مجموع ۳۷,۳ درصد شهروندان میزان احساس عدالت توزیعی در رفاه اجتماعی را پایین و بسیار پایین، ۶۰,۲ درصد متوسط و ۲,۴ درصد بالا و بسیار بالا تلقی نموده‌اند.

جدول ۳- میزان احساس عدالت توزیعی در برنامه‌های رفاه اجتماعی شهروندان خرم‌آبادی در ابعاد نه گانه

بعد	بازه نمرات	میانگین	انحراف معیار
معیشتی و اقتصادی	۷-۳۵	۱۴,۴۳	۲,۳۱
فرصت‌های کار و اشتغال	۴-۲۰	۳,۹۵	۱,۴۷
بهداشت و درمان	۷-۳۵	۱۷,۵۸	۲,۸۴
آموزش	۹-۴۵	۲۰,۱۱	۳,۱۱
امنیت و آسایش	۵-۲۵	۱۲,۸۸	۲,۲۱
آزادی‌های فردی	۵-۲۵	۱۵,۲۱	۲,۴۵
حکمروایی	۵-۲۵	۸,۷۱	۲,۱۸
میزان بهره‌مندی از رسانه‌ها و ارتباطات	۴-۲۰	۱۸,۲۴	۲,۹۲
تفریح و سرگرمی	۳-۱۵	۸,۲۱	۲,۰۴
جمع کلی	-	۱۳,۲۵	۲,۳۹

ارزیابی برنامه‌های رفاهی دولت‌های پیشین و امید به آینده

بر اساس نتایج جدول در میان سه دولت پیشین، شهروندان برنامه‌های رفاهی دولت خاتمی را بهتر و دولت روحانی را ضعیف‌تر ارزیابی کرده‌اند. در حالیکه ۶۷,۳ درصد شهروندان برنامه‌های رفاهی دولت روحانی را بسیار ضعیف تلقی نموده‌اند، فقط ۳ درصد برنامه‌های این دولت را بسیار قوی ارزیابی نموده‌اند. در این میان ۲۰,۲ درصد برنامه‌های دولت خاتمی را بسیار ضعیف ولی ۴۷ درصد بسیار قوی ارزیابی نموده‌اند.

در دسته بندی پاسخگویان بر اساس ارزیابی برنامه‌های رفاهی دولت‌های پیشین، آنهایی که میانگین بالایی در این ارزیابی دارند، از میانگین بالایی نیز در میزان احساس عدالت توزیعی در رفاه اجتماعی برخوردار هستند.

جدول ۴- توزیع پاسخگویان براساس گویه‌های ارزیابی برنامه‌های رفاهی دولت‌های پیشین

ارزیابی برنامه‌های رفاهی دولت‌های پیشین	بسیار ضعیف	ضعیف	متوسط	قوی	بسیار قوی	میانگین (۱-۵)
سید محمد خاتمی (دولت اصلاحات)	۲۰/۲	۱۴/۶	۳۷/۸	۱۵/۹	۱۱/۵	۲,۹۷
محمود احمدی نژاد (دولت عدالت و توسعه)	۲۱/۰	۱۶/۸	۳۱/۲	۲۰/۲	۱۰/۷	۲,۹۷
حسن روحانی (دولت تدبیر و امید)	۶۷/۳	۱۶/۸	۱۲/۷	۲/۴	۰/۷	۱,۵۶
ارزیابی برنامه‌های رفاهی دولت‌های پیشین	درصد	میانگین میزان احساس عدالت توزیعی در رفاه اجتماعی				
کم	۱۷/۶	۱۲۰/۴۷				
متوسط	۶۷/۶	۱۲۵/۲۸				
زیاد	۱۴/۹	۱۳۰/۱۳				
جمع	۱۰۰/۰	۱۲۵/۱۶				

در امید به برنامه‌های رفاهی دولت آینده نیز ۳۱,۵ درصد معتقدند وضعیت بد یا بدتر خواهد شد (۱۷,۸ درصد معتقد به بسیار بدتر شدن، ۱۳,۷ درصد نیز معتقد به بدتر شدن)، ۲۵,۷ درصد معتقد به بهبود وضعیت هستند (۴,۴ درصد معتقد به بسیار بهتر شدن و ۲۱,۲ درصد معتقد به بهتر شدن) و ۴۲,۹ درصد نیز معتقد به عدم تغییر وضعیت هستند.

ارزیابی برنامه‌های رفاهی دولت‌های پیشین و امید به آینده بر اساس نتایج جدول در میان سه دولت پیشین، شهروندان برنامه‌های رفاهی دولت خاتمی را بهتر و دولت روحانی را ضعیف تر ارزیابی کرده‌اند. در حالیکه ۶۷,۳ درصد شهروندان برنامه‌های رفاهی دولت روحانی را بسیار ضعیف تلقی نموده‌اند، فقط ۳ درصد برنامه‌های این دولت را بسیار قوی ارزیابی نموده‌اند. در این میان ۲۰,۲ درصد برنامه‌های دولت خاتمی را بسیار ضعیف ولی ۴۷ درصد بسیار قوی ارزیابی نموده‌اند. در امید به برنامه‌های رفاهی دولت آینده نیز ۳۱,۵ درصد معتقدند وضعیت بد یا بدتر خواهد شد، ۲۵,۷ درصد معتقد به بهبود وضعیت هستند و ۴۲,۹ درصد نیز معتقد به عدم تغییر وضعیت هستند.

آزمون فرضیه‌ها

فرضیه: به نظر می‌رسد میزان گرایش سیاسی بر میزان احساس عدالت توزیعی در رفاه اجتماعی شهروندان مؤثر است. برای بررسی وجود رابطه بین میزان گرایش سیاسی و میزان احساس عدالت توزیعی در رفاه اجتماعی شهروندان از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شده است. با توجه به مقدار F برابر ۶/۸۵۴ و سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ می‌توان نتیجه گرفت بین گرایش سیاسی و میزان احساس عدالت توزیعی در رفاه اجتماعی شهروندان رابطه وجود دارد. با توجه به نتایج میانگین‌ها، افراد با گرایش سیاسی اصول‌گرایی، میزان احساس عدالت توزیعی در رفاه اجتماعی بیشتری دارند. $Sig.(P) < \alpha(0/05)$

جدول ۵ - بررسی رابطه بین گرایش سیاسی و میزان احساس عدالت توزیعی در رفاه اجتماعی شهروندان

گرایش سیاسی	تعداد	میانگین	مقدار F	سطح معنی‌داری (Sig)
اصلاح طلب	۹۰	۱۲۳/۹۳	۶/۸۵۴	۰/۰۰۰
مستقل	۸۸	۱۳۰/۲۲		
اصول‌گرا	۸۸	۱۳۳/۵۳		
هیچ کدام	۱۴۴	۱۱۷/۷۲		
جمع	۴۱۰	۱۲۵/۱۶		

فرضیه: به نظر می‌رسد میزان عمل به شعایر دینی بر میزان احساس عدالت توزیعی در رفاه اجتماعی شهروندان مؤثر است. برای بررسی تأثیر متغیر میزان عمل به شعایر دینی بر میزان احساس عدالت توزیعی در رفاه اجتماعی از آزمون رگرسیون استفاده شده است. با توجه به مقدار ضریب رگرسیونی استاندارد شده برای متغیر میزان احساس عدالت توزیعی در رفاه اجتماعی ۰/۲۵۹ در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۰۰ می‌توان گفت که متغیر میزان عمل به شعایر دینی بر متغیر میزان احساس عدالت توزیعی در رفاه اجتماعی مؤثر است یعنی با افزایش میزان عمل به شعایر دینی، میزان احساس عدالت توزیعی در رفاه اجتماعی نیز افزایش می‌یابد.

(میزان احساس عدالت توزیعی در رفاه اجتماعی) $۹۹/۰۳۳ + ۲/۵۹۸ =$ میزان عمل به شعایر دینی

با توجه به مقدار آزمون F (۲۹/۳۹۷) در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۰۰، می‌توان نتیجه گرفت مدل رگرسیونی مرکب از یک متغیر مستقل (میزان عمل به شعایر دینی) و یک متغیر وابسته (میزان احساس عدالت توزیعی در رفاه اجتماعی) مدل خوبی بوده و متغیر مستقل قادر است تغییرات و واریانس میزان احساس عدالت توزیعی در رفاه اجتماعی را تبیین کند.

جدول ۶- مدل تأثیر متغیر میزان عمل به شعایر دینی بر متغیر احساس عدالت توزیعی در رفاه اجتماعی

متغیر پیش بین	ضرایب تأثیر رگرسیونی استاندارد نشده		ضرایب تأثیر رگرسیونی استاندارد شده	مقدار t	سطح معنی داری (Sig)
	B (ضریب خطا)	خطای استاندارد			
مقدار ثابت	۹۹/۰۳۳	۵/۰۱۴	۰	۱۹/۷۵۲	۰/۰۰۰
میزان عمل به شعایر دینی	۲/۵۹۸	۰/۴۷۹	۰/۲۵۹	۵/۴۲۲	۰/۰۰۰
منبع واریانس	مجموع مجذورها	درجه آزادی	میانگین مجذورها	F	سطح معنی داری
رگرسیون	۲۳۰۴۸/۵۸۶	۱	۲۳۰۴۸/۵۸۶	۲۹/۳۹۷	۰/۰۰۰ (a)
باقیمانده	۳۱۹۸۹۱/۴۶۵	۴۰۸	۷۸۴/۰۴۸	-	-
جمع کل	۳۴۲۹۴۰/۰۵۱	۴۰۹	۰	-	-

نتیجه گیری

در این پژوهش دو فرضیه اصلی مطرح شد. نتایج آزمون فرضیه اول نشان داد میزان گرایش سیاسی بر میزان احساس عدالت توزیعی در رفاه اجتماعی شهروندان مؤثر است. این نتیجه بر اساس نظریه بورديو قابل تبیین است. بدین معنا که گرایش سیاسی، میدان (زمینه) را در اختیار شهروندان قرار می‌دهد که در این میدان، ذائقه افراد در نگرش به عدالت توزیعی از همدیگر تمایز پیدا می‌کند. گرایش سیاسی از متغیرهایی است که به علت دلبستگی / عدم دلبستگی فرد به حاکمیت، نگرش انتقادی یا حمایتی فرد را به توزیع عدالت توزیعی تحت تاثیر قرار می‌دهد. بر این اساس به علت حاکمیت اصول گرایان بر کشور، بالاتر بودن میانگین اصول گراها در میزان احساس عدالت توزیعی در رفاه اجتماعی قابل تبیین است. اصلاح طلبان به علت نگرشی انتقادی به وضعیت کشور، توزیع عدالت توزیعی را پایین‌تر ارزیابی می‌کنند. در پژوهش سالارزاده و شیخی (۱۳۸۶) نیز با عنوان «بررسی میزان توجه نمایندگان دوره‌های چهارم و ششم مجلس شورای اسلامی به مقولات مختلف رفاه اجتماعی» تمایز توجه به مقولات رفاهی بر اساس گرایش سیاسی تبیین شده است.

همچنین پژوهش نشان داد میزان عمل به شعایر دینی بر میزان احساس عدالت توزیعی در رفاه اجتماعی شهروندان مؤثر است. در تبیین این تاثیر می‌توان گفت بر اساس نظریه بورديو، دینداری و عمل به شعایر دینی میدانی را به وجود می‌آورد که این میدان، ذهنیت فرد را به مقوله رفاه اجتماعی و فقر تغییر می‌دهد. دینداری بر مبنای عمل به شعایر دینی مورد حمایت حاکمیت است و افرادی که از این رویه دینداری حمایت می‌کنند به نوعی دلبستگی به حاکمیت دارند و در نتیجه این دلبستگی، میزان عدالت توزیعی در برنامه‌های رفاهی دولت را بالاتر ارزیابی می‌کنند. این پژوهش همراستا با پژوهش هزار جریبی (۱۳۹۰) است که در آن مشخص شده است دینداری دارای تأثیر افزاینده بر میزان احساس عدالت در بین افراد می‌باشند.

رفاه به بهره‌مندی فرد از امکانات زندگی (در حوزه‌های مختلف جسمی، روانی، اجتماعی، و غیره) تعریف می‌شود؛ امکاناتی که آلام جسمی و استرس‌های روانی را به حداقل می‌رسانند و رسیدن انسان به اهداف زندگی را میسر می‌سازند. در دوران پست مدرنیته، با گسترش و تنوع فوق‌العاده رفاه، فرهنگی شکل گرفته است که می‌توان از آن به «فرهنگ رفاه» تعبیر کرد. فرهنگ رفاه در رابطه دیالکتیکی با فرهنگ دینی و فرهنگ سیاسی قرار دارد.

نتایج پژوهش حاکی از تأثیرپذیری ارزیابی برنامه‌های رفاهی دولت از میزان تعهد شهروندان به شعار دینی و نوع گرایش سیاسی آنهاست. همچنین نتایج نشان می‌دهد پاسخگویان دیدگاه یکسانی به برنامه‌های رفاهی دولت‌ها ندارند. شهروندان در میان سه دولت پیشین، برنامه‌های رفاهی دولت خاتمی را بهتر و دولت روحانی را ضعیف‌تر ارزیابی کرده‌اند. در امید به برنامه‌های رفاهی دولت آینده نیز اکثریت جمعیت معتقد به ثبات یا حتی بدتر شدن وضعیت هستند. این نگاه بدبینانه به آینده رفاهی کشور نیازمند تأمل است.

تأثیرگیری ارزیابی از برنامه‌های رفاهی دولت از متغیر نوع گرایش سیاسی و میزان دینداری در جامعه ایران نشان می‌دهد افزایش وابستگی به نهادهای دولتی موجب نوعی خودسانسوری می‌شود که در نتیجه آن شهروندان نداشته‌ها را به داشته‌ها تعبیر و تفسیر می‌کنند یا از دیدن نقاط مثبت برنامه‌های رفاهی دولت‌ها باز می‌مانند. به عبارت دیگر ارزیابی شهروندان از میزان عدالت توزیعی بیشتر بازتاب وابستگی فکری و عقیدتی آنها به دولت و حاکمیت است تا نیازهای واقعی آنها. در این معنا، در تأثیرگذاری نوع گرایش سیاسی افراد و میزان عمل به شعار دینی، افراد با گرایش اصول‌گرا و اعتقادات دینی بیشتر که وابستگی بیشتری به حاکمیت دارند ارزیابی بهتری از عدالت توزیعی دارند.

نتایج پژوهش حاضر در حوزه سیاستگذاری اجتماعی نشان دهنده ارتباط «گرایش‌ها و نگرش‌ها با سوگیری ارزیابی عدالت توزیعی» است که بر اساس آنها گرایش سیاسی و میزان تعهد دینی، ارزیابی عدالت توزیعی را به گونه‌ای تحت تأثیر قرار می‌دهد که می‌تواند با واقعیت‌های عینی جامعه شکاف داشته باشد. این ارجحیت گرایش‌ها و نگرش‌ها موجب وابستگی ذهنی آنها به نهادهای حمایتی دولتی شده و واقع بینی ارزیابی نیازهای اجتماعی و توزیع عدالت توزیعی برنامه‌های رفاهی دولت را سوگیرانه و به نفع یا علیه حاکمیت تغییر می‌دهد.

با اینهمه به نظر می‌رسد شرایط نامناسب اقتصادی کشور به ویژه بحران اقتصادی سه سال اخیر کشور و شیوع بیماری کرونا، تأثیر گرایش سیاسی و اعتقادات دینی را در ارزیابی برنامه رفاهی از منظر عدالت توزیعی کاهش داده است و به نظر می‌رسد عوامل اقتصادی به ویژه نیازهای فردی و اجتماعی اهمیت دوچندانی یافته‌اند. با توجه به تغییرات مورد اشاره، لازم است پژوهش‌های تکمیلی در باب روشن شدن تأثیرات بر همکنش میادین دین و سیاست بر سیاست‌های رفاهی از منظر عدالت توزیعی طراحی و اجرایی شود. از جمله در این پژوهش‌ها توجه به گفتمان‌های سیاست رفاهی در میان مردم، نخبه‌ها (دینی، علمی و اجرایی) و جسجوی شکاف بین این گفتمان‌ها می‌تواند مد نظر قرار گیرد.

فهرست منابع

- باری، نورمن (۱۳۸۰). رفاه اجتماعی، ترجمه سیداکبر میرحسینی و سید مرتضی نوربخش، تهران: انتشارات سمت.
- بلیک مور، کن (۱۳۸۵). مقدمه‌ای بر سیاستگذاری اجتماعی. ترجمه علی اصغر سعیدی و سعید صادقی جقه. تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- بمانیان، محمدرضا و محمودی نژاد، هادی (۱۳۸۷). شهرسازی رفاه‌گرا به جانب ارتقای کیفیت زندگی، سازمان شهرداری‌ها و دهرداری‌های کشور، تهران: موسسه فرهنگی اطلاع رسانی و مطبوعاتی تهران.
- دین، هارتلی (۱۳۸۸). سیاستگذاری اجتماعی، ترجمه عبدالله بیچرانلو، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۳). تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۳). نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- زاهدی مازندرانی، محمدجواد (۱۳۸۲). توسعه و نابرابری، تهران: انتشارات مازیار.

- سالارزاده، نادر؛ شیخی، محمد (۱۳۸۶). بررسی میزان توجه نمایندگان دوره‌های چهارم و ششم مجلس شورای اسلامی به مقولات مختلف رفاه اجتماعی، فصلنامه علوم اجتماعی، دوره ۴، شماره ۳۸-۳۹؛ ۱۷۳-۲۰۲.
- سبکتکین ریزی، قربانعلی؛ موحدی، محمد ابراهیم (۱۳۸۴). گرایش‌های سیاسی نخبگان سیاسی، دوره ۱۲، شماره ۳۱، ۷۱-۱۱۰.
- شجاعی زند، علیرضا (۱۳۸۴). مدلی برای سنجش دینداری در ایران، مجله جامعه شناسی ایران، دوره ۶، شماره ۱، ۳۴-۶۶.
- شهریاری، حیدر (۱۳۹۳). تطبیقی گرایش سیاسی دانشجویان دانشگاه تهران، فصلنامه دانش سیاسی، دوره ۲، شماره ۲۰، ۱۰۱-۶۳.
- طالبان، محمدرضا. (۱۳۸۰). دینداری و بزهکاری در میان جوانان، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- علم، قربان (۱۳۸۶). مشا دین از دیدگاه پیتر ال. برگر، ترجمه مهدی حسن‌زاده، فصلنامه مقالات و بررسی‌ها، شماره ۲، پیاپی ۸۳، ۶۰-۷۷.
- فیتزپتریک، تونی. (۱۳۸۱). نظریه رفاه (سیاست اجتماعی) ترجمه، هرمز همایون پور، تهران، مؤسسه عالی تأمین اجتماعی.
- کلود تاپیا و دیگران (۱۳۷۹). درآمدی بر روانشناسی اجتماعی ترجمه مرتضی کتبی، تهران: نشر نی.
- مارکوزه، هربرت (۱۳۶۲). انسان تک ساحتی، ترجمه محسن مویدی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- محققیان، زهرا؛ پرچم، اعظم (۱۳۹۱). ماهیت امید، مقایسه تطبیقی بین اسلام و مسیحیت، مجله معرفت ادیان، شماره ۱.
- میجلی، جیمز (۱۳۷۸). رفاه اجتماعی در جهان، ترجمه محمدتقی جغتایی، دانشگاه علوم بهزیستی، تهران.
- هزار جریبی، جعفر و صفری شالی، رضا (۱۳۹۰). رفاه اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن؛ مطالعه موردی شهر تهران، مجله پژوهش و برنامه ریزی شهری، سال دوم، شماره پنجم، ۲۲-۱.
- وثوقی، منصور نیک‌خلق، علی‌اکبر (۱۳۷۰). مبانی جامعه‌شناسی، ناشر: خردمند.
- وصالی، سعید، و امید، رضا. (۱۳۹۳). سیاست‌گذاری اجتماعی: زمینه‌ها و رویکردها. برنامه ریزی و بودجه، ۱۹(۱)، ۱۷۹-۲۰۶. [SID. https://sid.ir/paper/241024/fa](https://sid.ir/paper/241024/fa)
- علمی، قربان؛ حمیدیه، بهزاد (۱۳۸۹). پیامدهای فرهنگ رفاه برای دین‌داری، فلسفه و کلام اسلامی (مقالات و بررسی‌ها)، دوره ۴۳، شماره ۲، ۸۳-۱۰۱.
- یزدانی، فرشید (۱۳۸۲). مفاهیم بنیادی در مباحث رفاه اجتماعی (سیاست اجتماعی، حمایت اجتماعی، رفاه و تامین اجتماعی)، رفاه اجتماعی، دوره ۳، شماره ۱۰، ۳۱-۵۴.
- Bannet, F. (2004), Development of social Security, Social Policy Review, University of Bristol, Great Britain: The Policy Press.
- Beland, D. (2010), What is social policy? Understanding the welfare state: Cambridge press University.
- Brehm, J.M., 2003, Amenity Migration and Social Change: Expanding the Concept of Community Attachment and its Relationship to Dimensions of Well-being in the Rural West, Doctoral dissertation, Utah State University, Department of Sociology.
- Cheladurai. (2006). "Human Resource Management in Sport and Recreation, 4th," Human Kinetic, USA.
- Himmelfarb, Harold S. (1975) Measuring religious involvement, Social Forces, Vol. 53, No4: 606-618.
- Giddens, Anthony, (2006), Sociology, Fifth Edition, Cambridge, Polity Press.
- Gough, I. & Therborn, G. (2010), The global futures of welfare states In F G Castles S Leibfried J Lewis H Obinger & Ch Pierson Eds The oxford handbook of the welfare state (762-780) Oxford: Oxford University Press
- Midgely, J. (2000), Context of Welfare Theory: a developmentalist in perpetration, Center for social development, Washington university Pup.
- Najman, Adil (1997), Assessing Progress Toward Sustainability in Developing Countries, In Assessing Sustainable Development; Principles in Practice; (editors) Peter Hardi & Terrence Zdan: International Institut for Sustainable Development (IISD), Canada.
- Smit, B. & Ramsey, D. (2002), Rural Community Well-being: Models and application to changes in the tobacco-belt in Ontario. Geoforum, 33, PP. 367-384.

- Tornblom, K. Y., & Jonsson, D. S. (1985). "Sub rules of the equality and contribution principles: Their perceived fairness in distribution and retribution". *Social Psychology Quarterly*, 48, 249-261..
- Legatum Prosperity Index™ (2014) [http; www. Prosperity.com](http://www.prosperity.com).
- Verba, S.; Schlozman, K. & Brady, H. (1995). *Voice and equality: Civic voluntarism in American politics*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Wilkinson R, Kater P. (1991), *Income Inequality and population health: A review and explanation of the evidence*. *Social Science & Medicine*, 62, pp 1768-1784.

Studying the Effects of Religiousness and Political Orientation on Justice Feeling among Iranian Citizens Regarding Iranian Government's Welfare Development Plans

Meisam Hasheminiya¹

Ph.D student of Economic Sociology and Development, Faculty of Humanities, Azad shahr Branch, Islamic Azad University, Azad shahr, Iran

Rahmatollah Amirahmadi^{2*}

Assistant professor of Department of Sociology, Faculty of Humanities, Azad shahr Branch, Islamic Azad University, Azad shahr, Iran. (Corresponding Author)

Hosein Abolhasan tanhaei³

Associate professor, of Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Abstract: *The present research aimed at studying the effects of religiousness and political orientation on justice feeling among Iranian citizens regarding Iranian government's welfare plans. This perspective is important because the political sovereignty of Iran with an inseparable tie with religion tries to have a different attitude towards social welfare and justice based on religious concepts. The present research framework was developed based on the theories of criticizing the government of welfare and Bourdieu's theory. The present research was carried out by survey method and using questionnaire administered among Khoramabad citizens in 2021. The research sampling was designed through integrating cluster sampling and disproportionate stratified sampling with 400 as the sample volume. The results showed that Khorramabad citizens have not an equal attitude towards Iranian governments' social welfare plans. Regarding the three previous governments, Khoramabad citizens assessed welfare plans of Khatami's government as higher than that of Rohani's government. Regarding their hope for the next government's welfare plans, majority of the population predict the same or worse conditions. The research results showed that their commitment towards religious rituals and political orientations have effects on their assessment of a government's welfare plans, i.e., the individuals with fundamentalist orientation and religious believes assess plans for distributive justice higher. The results also showed that priorities in the individuals' orientation or attitude resulted in accepting or rejecting governmental institutions in their minds; moreover, the individuals assess securing the social needs and distributive justice in the governments' welfare plans as biased for or against them.*

Keywords: *Distributive justice, social welfare, government of welfare, development, needs, social policymaking.*

¹ Email: meisamhasheminiyah@gmail.com

² Email: Amirahmadi569@yahoo.com (Corresponding Author)

³ Email: hatanhai121@gmail.com